

آثار جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارت زیست محیطی؛ مطالعه موردی حقوق ایران و اتحادیه اروپا

حسین ولی زاده^۱، نجات‌الله ابراهیمیان^۲، شراره مفیدیان^۳

چکیده

رویکرد جمعی شدن مسئولیت از حیث نظری برای این مبنا قرار گرفته است که برخی خطرات جنبه اجتماعی دارند و آثار و تبعاتشان صرفاً به شخص یا گروه معدودی از افراد محدود نیست، بلکه کلیت جامعه انسانی را هدف قرار می‌دهد و متأثر می‌سازد. بنابراین، منطقی است که همه کسانی که به نحوی از آسیب‌های زیست محیطی متأثر هستند، بتوانند در فرآیند جبران خسارات وارد شده سهیم باشند. می‌توان گفت رویکرد جمعی شدن مسئولیت، به نحوی درصدد تعیین نحوه توزیع مسئولیت میان اسباب ورود زیان نیز هست. در تشریح و توضیح بیش‌تر می‌توان گفت جمعی شدن مسئولیت، ناظر بر جمعیتی است که از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار زیست محیطی آسیب دیده‌اند، ولی جمعی بودن مسئولیت، ناظر بر گروهی است که به صورت بالقوه یا بالفعل می‌تواند یا توانسته است به محیط زیست، آسیب وارد آورد. پس چنان‌چه مفاهیم و مبانی حقوق کیفری محیط زیستی را نیز مبنا قرار دهیم، جمعی شدن مسئولیت، رویکردی بزه‌دیده‌شناسانه، ولی جمعی بودن مسئولیت، رویکردی بزه‌کارمدارانه دارد. هدف جمعی شدن مسئولیت، سهیم کردن همه کسانی که از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار یا مجرمانه زیست محیطی آسیب دیده‌اند، در فرآیند جبران خسارت‌های زیست محیطی است، ولی مقصود جمعی بودن مسئولیت، شریک ساختن همه کسانی که رفتارهای خسارت‌بار یا مجرمانه زیست محیطی انجام داده‌اند، در فرآیند توزیع مسئولیت و الزام به جبران خسارت است. این رویکرد امروزه در حقوق کشورهای مختلف از جمله ایران وارد شده است. حقوق اتحادیه اروپا نیز در خصوص این مفهوم، سابقه درخشانی دارد.

واژگان کلیدی: جمعی شدن مسئولیت، خسارت زیست محیطی، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، حقوق اروپا.

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، hosseinv591@gmail.com

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) 1344ne@gmail.com

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mofidiyan1212@gmail.com

مقدمه

مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز به محیط زیست در طول تاریخ حیات بشر، پیشینه‌ای طولانی و جنجال برانگیز دارد. در حقوق بیش‌تر کشورها، مسئولیت محض در خصوص برخی از آلودگی‌های زیست محیطی پذیرفته شده است و در دیگر آلودگی‌ها از مسئولیت مبتنی بر تقصیر پیروی می‌شود. با توجه به آن‌که یکی از ابعاد حفاظت محیط زیست، پیش‌بینی نظام حقوقی مسئولیت مدنی برای مقابله با واردکنندگان خسارت بر محیط زیست است، اعمال این ضابطه در نظام حقوقی موجب کارآیی بیش‌تر قوانین زیست محیطی در برخورد با متخلفان خواهد بود و با ارائه راهکارهای مناسب می‌توان قانون‌گذار را در قانون‌مند کردن این عرصه مساعدت کرد. ایران جزء معدود کشورهایی است که توجه به محیط زیست را در عالی‌ترین سند حقوقی یعنی قانون اساسی خود آورده است و در اصل پنجاهم به صورت مستقیم به محیط زیست و جایگاه آن اشاره می‌کند.

قوانین و اصول و مبانی مربوط به مسئولیت مدنی به طور بالقوه اجازه می‌دهد که معیارهای مسئولیت زیست محیطی شرکت‌ها به طور خصوصی توسط افراد ذی‌نفع و از طریق دعاوی مربوط به سهل‌انگاری و دیگر اسباب مرتبط با مسئولیت مدنی اجرا شود. از این رو، کارکنان متضرر از نتیجه اعمال معیارهای غیر اصولی محل کار، خانواده‌هایی که درآمد خود را در پی صدمات زیست محیطی از دست داده‌اند یا مصرف‌کنندگانی که در نتیجه نقض معیارهای ایمنی و سلامت محصول، صدمه دیده یا بیمار شده‌اند، باید حق اقامه دعوا علیه مسئول خسارت را داشته باشند.^۱

هدف کمیسیون حقوق بین‌الملل از طرح این ایده، فراهم آوردن مبنایی جبرانی برای فعالیت‌هایی است که در عین داشتن عوارض زیان‌بار، از نظر اجتماعی کاملاً سودمند و ضروری هستند. البته باید بیان کرد اصل مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه دولت‌ها در قبال خسارات زیست محیطی رد نمی‌شود، ولی دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که انتقال مسئولیت به متصدی فعالیت خسارت‌زا و مسائل مربوط به مسئولیت و در واقع، فروکاستن آن از سطح میان‌دولتی به سطح ادعاهای خصوصی و دادگاه‌های داخلی، صحیح‌تر و اطمینان‌بخش‌تر است. این انتقال، روشی است که در آن، دعاوی خصوصی جای‌گزین روابط میان‌دولتی می‌شود.

۱. رحمانیان، سمیه و محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، «بررسی انتساب مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی فرعی به شرکت اصلی در دعاوی خصوصی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۶، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲.

تعیین مفهوم و جایگاه خسارات زیست‌محیطی و بررسی قواعد آن در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اهمیت اساسی داشته و یکی از عوامل بازدارنده دولت‌ها برای آلوده کردن محیط زیست و نیز عامل ترمیم زیان‌ها و صدمات زیست‌محیطی است. جبران خسارات زیست‌محیطی همواره با مشکلاتی روبه‌روست. از جمله این‌که این خسارات به راحتی قابل ارزیابی نیستند و بیش‌تر مواقع، برقراری مجدد وضعیت سابق امکان‌پذیر نیست. برای مثال، فعالیت‌های هسته‌ای می‌تواند اثرات بلندمدت روی سلامتی و بهداشت داشته باشد که علایم آن سال‌ها بعد نمایان شود. بنابراین، ایجاد رابطه سببیت بین این خسارات و فعالیت‌های هسته‌ای، اگر نگوییم ناممکن است، اما بسیار دشوار است. با وجود این، افزایش آگاهی و حساسیت عمومی نسبت به محیط زیست و جبران خسارات وارد بر آن و تدوین نظام خاص جبران خسارت زیست‌محیطی مانند طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌تواند گامی مؤثر در راه رفع اشکال‌های موجود و جبران مؤثر خسارات، حمایت و حفاظت از محیط زیست باشد.^۱

حقوق دانان و نهادهای بین‌المللی هم معیارهایی در مورد تعریف خسارت زیست‌محیطی ارائه کرده‌اند. از این دیدگاه، خسارت را به عنوان مبنایی برای میزان غرامت یا جبران آن چنین تعریف می‌کنند: از دست دادن حیات، صدمه به سلامتی یا هر نوع زیان شخصی؛ هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم النفع، بروز تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم شامل هزینه اقدامات معقول اعاده واقعی وضعیتی که محقق شده است یا اقداماتی که باید صورت پذیرد، خسارات زاید بر آن‌چه در مورد اول به آن اشاره شد و در نهایت، هزینه اقدامات بازدارنده و خسارت بیش‌تر که از آن اقدامات ناشی می‌شود.^۲ بر اساس ماده ۱ کمیسیون اروپایی مسئولیت زیست‌محیطی، تعریف خسارت‌های زیست‌محیطی دربردارنده سه مقوله خسارت به گونه‌های زیستی حفاظت‌شده و زیستگاه‌های طبیعی و خسارت به آب و خاک است.^۳

۱. Schwabach, Aaron, *International Environmental Disputes (Contemporary World issues)*, ABC-CLIO (Publishing), 2006, p. 113.

۲. شاه‌حسینی، عطیه و علی‌مشهدی، «جبران خسارات زیست‌محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵.

۳. بهرامی‌احمدی، حمید و اعظم‌علم‌خانی، «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال

در خصوص پیشینه تحقیق نیز باید گفت ناصر قاسمی و فلورا حیدری (۱۳۹۳) در مقاله «جبران زیان‌های وارده بر محیط زیست از منظر حقوق مدنی» آورده‌اند که بشر به منظور حفظ حیات خویش، نیازمند برخورداری از محیط زیست مطلوب و مناسب است. این امر، یکی از حقوق اجتماعی و زیستی مسلم است که مورد پذیرش مقررات و موازین حقوقی ملی، فراملی و بین‌المللی قرار گرفته است. حقوق مدنی، یکی از بسترها و قلمروهایی است که بر وجود و ضرورت ایفای وظیفه حفاظت از محیط زیست تأکید کرده است. بر این مبنا، بشر باید به دنبال بهره‌مندی از راهکارهایی باشد که تأمین‌کننده پیش‌گیری از ورود خسارت بر محیط زیست و جبران خسارات وارد بر آن است. بدون تردید، به اعمال راهکارهای حقوقی به طور اعم و اعمال مسئولیت مدنی به طور اخص باید توجه صورت گیرد. قبول مسئولیت مدنی مترتب بر ورود زیان به محیط زیست و ابعاد و اجزای گوناگون آن و الزام مرتکبان خسارات وارد شده به جبران این زیان‌ها، از جمله اقدامات حمایتی و حقوقی مؤثر از این میراث مشترک بشریت به شمار می‌رود. با تحقق ارکان خسارت می‌توان جبران آن را از مرتکبان ورود زیان‌های زیست محیطی در چارچوب یک دعوای حقوقی، علاوه بر وجود مسئولیت کیفری مطالبه کرد. در نهایت، با قبول این مسئولیت و الزامات ناشی از آن می‌توان از بروز زیان‌های آتی به محیط زیست نیز تا میزان زیادی جلوگیری کرد.

به باور عطیه شاه‌حسینی و علی مشهدی (۱۳۹۵) در مقاله «جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، جبران خسارات زیست محیطی فرامرزی به ویژه در خصوص آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک، یکی از مسائل غامض نظام مسئولیت در حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود. یکی از مشکلات این است که گاهی با وجود تمامی اقدامات پیش‌گیرانه، برخی فعالیت‌های مشروع و مجاز دولت‌ها که عموماً خطرناک نیز هستند، خسارات جبران‌ناپذیری به دیگر اشخاص حقوق بین‌الملل و به خصوص به محیط زیست وارد می‌کنند. چون این فعالیت‌ها ممنوع نیستند، نظام سنتی مسئولیت مدنی در پاسخ‌گویی به این خسارات، کارآمد نیست. از این رو، توسعه و تدوین نظام خاص جبران خسارات زیست محیطی اجتناب‌ناپذیر است. حاصل تلاش جامعه بین‌المللی در این زمینه، تصویب طرح پیش‌نویس ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل

با موضوع «اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک» است که دولت را با شرایطی به دلیل ورود خسارت جدی به محیط زیست، مسئول و متصدی فعالیت خطرناک را موظف به جبران خسارت، حتی در صورت نبود عنصر نقض تعهد می‌داند.

در این پژوهش تلاش بر این است که پس از تحلیل خسارات زیست‌محیطی در پرتو نظریه اعمال منع ناشده و تبیین ویژگی‌ها و تمایزهای این نوع خسارات از دیگر خسارات در حقوق بین‌الملل و با ملاحظه پیش‌نویس ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل، از روش توصیفی و تحلیلی برای ارزیابی ابعاد مختلف موضوع استفاده شود. در موضوع مقاله حاضر یعنی جمعی شدن مسئولیت مدنی دولت در بحث خسارات زیست‌محیطی، تاکنون پژوهشی جامع صورت نگرفته است. مسئله اصلی این پژوهش، آثار جمعی شدن مسئولیت جمعی دولت‌ها در خسارات زیست‌محیطی با نگاهی تطبیقی به رویکرد حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

گفتار اول. مفهوم جمعی شدن^۱ مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی

جمعی شدن مسئولیت، رویکردی است مقابل فردی بودن مسئولیت. رویکرد جمعی شدن مسئولیت از جنبه نظری بر این مبنا قرار گرفته که برخی خطرات، جنبه اجتماعی دارند و آثار و تبعاتشان صرفاً به شخص یا گروه معدودی از افراد محدود نیست، بلکه کلیت جامعه انسانی را هدف قرار می‌دهد و متأثر می‌سازد.

در تشریح و توضیح بیش‌تر می‌توان گفت جمعی شدن مسئولیت، ناظر بر جمعیتی است که از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی آسیب دیده‌اند، ولی جمعی بودن مسئولیت، ناظر بر گروهی است که به صورت بالقوه یا بالفعل، می‌تواند یا توانسته است به محیط زیست، آسیب وارد آورد. اگر مفاهیم و مبانی حقوق کیفری محیط زیستی را نیز مبنا قرار دهیم، جمعی شدن مسئولیت، رویکردی بزه‌دیده‌شناسانه و جمعی بودن مسئولیت، رویکردی بزه‌کارمدارانه دارد. هدف جمعی شدن مسئولیت، سهیم کردن همه کسانی که از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار یا مجرمانه زیست‌محیطی آسیب دیده‌اند،

1. Collectivization

در فرآیند جبران خسارت‌های زیست محیطی است، ولی هدف جمعی بودن مسئولیت، شریک ساختن همه کسانی که رفتارهای خسارت بار یا مجرمانه زیست محیطی مرتکب شده‌اند، در فرآیند توزیع مسئولیت و الزام به جبران خسارت است. ممکن است برخی اساساً با چنین تفکیک و بینشی مخالف باشند و صرفاً آن را نوعی لفاظی و بازی با واژه‌ها بپندارند، ولی جداسازی مفهومی میان این دو تعبیر حقوقی، مبنای درستی دارد و این دو علاوه بر آن که دلالت مفهومی مشخصی دارند، اساساً به دو مقوله مجزا از یکدیگر مرتبط می‌شوند که شاید در ظاهر، یکی به نظر برسند، ولی در عمل و در عرصه اجرا و عملیات به دو موضوع مستقل از یکدیگر مربوط می‌شوند.

در مسئولیت مدنی جمعی، مفهوم خسارت گروهی مورد نظر است. منظور از خسارت گروهی، خسارتی است که جمع کثیری از اشخاص را به صورت مادی یا معنوی متضرر می‌کند. اشخاص متضرر در خسارت گروهی ممکن است عده‌ای از افراد جامعه یا کل افراد جامعه باشند. طبع و ماهیت ضررهای جمعی در حوزه مسائل زیست محیطی به گونه‌ای است که باید قانون خاصی در خصوص آن‌ها وضع شود. پس در طراحی نظام ویژه، پسندیده است که در جبران زیان‌های عمومی بیش‌تر بر مسئولیت پیش‌گیرانه تکیه گردد.^۱

در سایه شکل‌گیری رویکرد جمعی شدن مسئولیت، این بحث مطرح شده است که مسئولیت ناشی از اعمال مخاطره‌آمیز منع‌ناشده ابتدائاً بر متصدی تحمیل می‌شود؛ یعنی متصدی باید خسارت وارد شده را جبران کند. حال مسئله این است که مسئولیت دولت منشأ چیست؟ دولت منشأ دو وظیفه دارد:

یک: جبران خسارت فوری و کافی توسط متصدی را تضمین کند؛^۲

دو: مسئولیت غایی دولت منشأ در جبران خسارت زیان دیده است، در صورتی که به هر دلیلی، امکان وصول غرامت از متصدی نباشد.^۳

۱. حیاتی، عباس علی، «مفهوم و چگونگی جبران خسارت‌های گروهی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، دانش نامه حقوقی، شماره ۴، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸

۲. بند (A) اصل ۳ و بند ۴ تا اصل ۴ طرح اصول ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل به این امر اشاره دارد.

۳. بند ۵ اصل ۴ طرح اصول ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل به مطلب اذعان دارد.

حقوق بین‌الملل، رویکرد جمعی شدن مسئولیت را در پیش گرفته است تا:

یک: از اعمال سودمند به حال اجتماع، ولی پرخطر حمایت کند؛

دو: از زیان دیدگان بی‌تقصیر پشتیبانی کند؛

سه: خسارت بسیار سنگین زیست محیطی را فقط بر یک متصدی تحمیل نکند.

پس با اجباری کردن بیمه یا تضمین‌های مالی یا تأسیس صندوق‌های جبران خسارت برای گروهی کردن جبران خسارت کوشیده است.^۱

اگر دولت به صورت غیر مستقیم از زیان دیدگان جبران خسارت می‌کند، کل جامعه این کار را به طور غیر مستقیم با پرداخت مالیات انجام می‌دهند. چون همه افراد جامعه از این فعالیت بهره‌مند می‌شوند، غیر عادلانه است که فقط درصدی از آن‌ها، هزینه‌های خسارات اجتناب ناپذیر آن را متحمل شوند. این امر همان طور که ذکر شد، به خاطر مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندان و اصل هم‌بستگی اجتماعی است. همین دلایل در مورد زیان دیدگان خارجی از حوادث فرامرزی به طور غیر مستقیم مصداق دارد، به این صورت که در این مورد، جبران خسارت از زیان دیدگان کشورهای دیگر مبتنی بر معامله متقابل است. برای این که دولت انتظار داشته باشد که کشورهای دیگر، زیان وارد به شهروندان او را هنگامی که حادثه در کشور دیگر افتاده است، جبران کنند، باید خسارات وارد به شهروندان آن کشور را زمانی که حادثه در قلمرو سرزمینی او افتاده است، جبران کند. پس چون به این دلایل، مکلف به جبران خسارت از شهروندان خود است، باید این معامله را متقابل انجام دهد.^۲

گفتار دوم. مؤلفه‌های جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی

وقتی از جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی سخن می‌گوییم، طبعاً به دنبال این هستیم که نحوه تحقق و توزیع مسئولیت مدنی ناشی از این خسارات را تبیین

۱. کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط زیست (جلد ۱)، ترجمه: محمد حسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

۲. ساعد، نادر، قوانین و مقررات محیط زیست ایران، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۵۴.

کنیم. این تحول، سه مؤلفه اصلی دارد که در بحث از جمعی شدن مسئولیت باید حتماً به آن‌ها توجه داشت؛ یکی، تسهیل در اثبات مسئولیت و توزیع مسئولیت میان عوامل زیان؛ دوم، افزایش روش‌های جبران خسارات زیست محیطی و اکتفا نکردن به روش‌های سنتی و سوم، نفی فردگرایی و به جای آن، ابتدای روش‌های جبران خسارات زیست محیطی بر اصل جمع‌گرایی در روند حمایت و حفاظت از محیط زیست.^۱

بند اول. تسهیل در اثبات مسئولیت و توزیع مسئولیت میان عوامل زیان بار

در توضیح مؤلفه اول می‌توان گفت جمعی شدن مسئولیت، بسیاری از مشکلات اثبات مسئولیت مدنی و توزیع این مسئولیت میان عوامل زیان و آسیب را ندارد؛ زیرا فرض بر این قرار گرفته است که نحوه جبران خسارات می‌تواند به صورت جمعی و همگانی باشد. این همگانی شدن طبعاً مشکلات و معضلات تبیین مسئولیت‌های فردی برای یافتن عامل زیان و ایجاد تعهد به جبران خسارت بر عهده وی را به دنبال نخواهد داشت و چه بسا بهتر از مسئولیت‌های شخصی و فردی بتواند در حفاظت بایسته از محیط زیست و جلوگیری از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار نسبت به محیط زیست، مؤثر باشد.

بند دوم. افزایش روش‌های جبران خسارات زیست محیطی

مؤلفه دوم دلالت بر این دارد که چون مسئولیت، همگانی و جمعی می‌شود، روش‌های جبران خسارت‌های زیست محیطی نیز متنوع می‌شوند. بنابراین، هرگز نیاز نداریم که به روش‌های سنتی در این مورد اکتفا کنیم، بلکه می‌توان به روش‌های جای‌گزین نیز روی آورد. از جمله، تقویم خسارات به پول و الزام طرف زیان‌زننده به پرداخت آن به زیان‌دیده می‌تواند به راحتی، جای خود را به الزام به ارائه خدمات عمومی رایگان دهد که اثر به مراتب بازدارنده‌تری از جبران‌های مادی و پولی دارد. در واقع، الزام به ارائه خدمات عمومی، این نکته را به عامل زیان خواهد فهماند که به عنوان عضوی از جامعه انسانی و به مثابه یک بهره‌ور بالقوه یا بالفعل از محیط زیست، مکلف است در صورت ارتکاب رفتار خسارت‌بار نسبت به محیط زیست که در مورد آن، فرض بر این قرار گرفته که ضرر به

۱. کاتوزیان، ناصر، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، فصل‌نامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره سی و هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۸.

تک تک افراد جامعه است، به همان اجتماع انسانی، خدمات عمومی رایگان ارائه دهد تا ضرری که وارد کرده است، این گونه جبران شود. صرف الزام به جبران‌های مادی و پولی به ویژه نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی که دارای منابع و سرمایه‌های مادی و پولی سرشار هستند، هیچ اثر بازدارنده‌ای ندارد و این اشخاص با اطمینان از قدرت و توان مالی و پولی خود، چه بسا در ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار نسبت به محیط زیست، جری‌تر نیز شوند.^۱

بند سوم. جمع‌گرایی در روند حمایت و حفاظت از محیط زیست

جمع‌گرایی و جای‌گزین شدن آن به جای فردگرایی در روندها و فرآیندهای جبران خسارات زیست‌محیطی، رجعتی است به این اصل که تک تک اعضای جامعه انسانی، جزئی از یک کل منسجم و به هم مرتبط هستند و هر یک به سهم و اندازه خود باید از عهده جبران خسارات وارد به محیط زیست برآیند. در واقع، یک مبنای نظری رویکرد جمعی شدن مسئولیت در قبال خسارات زیست‌محیطی این است که یکایک شهروندان، خود را موظف به جبران خسارات وارد شده بدانند و بر این امر واقف شوند که در صورت ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار نسبت به محیط زیست قطعاً مورد شمات و التزام حقوقی قرار خواهند گرفت. پس چه بهتر که تمام تلاش خود را برای صیانت از محیط زیست به کار گیرند و از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار نسبت به محیط زیست دوری کنند.

امروزه در بحث مربوط به تغییرات آب و هوایی و چالش‌های آن، بحث مسئولیت جمعی مطرح است. تغییرات آب و هوایی ذاتاً یک مسئله جمعی است. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی نیز تمرکز خود را بر توزیع مسئولیت در مورد انتشار گازهای گل‌خانه‌ای قرار داده است. در این رویکرد، توزیع مسئولیت میان بازیگران غیر دولتی، دولت‌های محلی و شرکت‌های فعال در حوزه تولیدات در نظر گرفته می‌شود.^۲ در این کنوانسیون، هزینه‌های مربوط به انتشار گازهای گل‌خانه‌ای بر اساس مسئولیت‌های مشترک، اما متمایز تعیین می‌گردد. همانا در مورد خسارات زیست‌محیطی، همه کشورها تا حدی مسئولیت دارند، اما تفاوت قابل توجهی از نظر

۱. رحیمی، علی و حسین شبیری، «مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از خسارت زیست‌محیطی»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره چهارم، شماره ۱/۱، ۱۳۹۷، صص ۲۰۹.

2. Hormio, Sade, *Collective responsibility for climate change*, Wiley Climate Change, Vol. 12, 2022, p. 12

انتشار سرانه، سطح توسعه اقتصادی، فعالیت‌های مخرب و اقدامات پیش‌گیرانه در حال انجام برای کاهش خطرات وجود دارد.^۱

گفتار سوم. تحلیل جمعی شدن مسئولیت مدنی زیست محیطی در پرتو مفهوم جمعی بودن منافع زیست محیطی

در این بخش از پژوهش به ژرف‌کاوی در خصوص جمعی بودن منافع ذیل مسئولیت مدنی صیانت از محیط زیست اشاره خواهد شد.

بند اول. مفهوم نظریه جمعی بودن منافع محیط زیست

نظریه جمعی بودن حق بر محیط زیست در دامن حقوق هم‌بستگی مطرح شد و توسعه یافت. می‌توان گفت تمام نویسندگان در حوزه حقوق هم‌بستگی، حق بر محیط زیست را یکی از مصادیق «حقوق جمعی»^۲ و «حقوق هم‌بستگی»^۳ معرفی می‌کنند.^۴ این برداشت غالب تحلیل‌هایی است که نظریه‌پردازان حق بر محیط زیست به ویژه در سطح بین‌المللی ارائه کرده‌اند. برخی اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر^۵ و ماده ۱۷ اعلامیه بارسلون، این حق را به عنوان حق جمعی مردم شناسایی کرده‌اند. بر اساس اعلامیه اخیر، بهره‌مندی از محیط زیست سالم و به لحاظ اکولوژیکی متعادل جزء حقوق جمعی مردم تلقی می‌گردد.^۶

طرفداران این برداشت، ماهیت حق بر محیط زیست را مجزای از ماهیت حقوق نسل اول و دوم تلقی

1. Vanderheiden, Steve, *Climate Change and Collective Responsibility*, Library of Ethics and Applied Philosophy book series, Vol. 17, 2011, p. 5.

2. Collective rights

3. Solidarity rights

4. Prieur, Michel, *La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones*, Presses Universitaires de Limoges, 2003, p. 334.

5. Y. Hamuli Kabumba, Plaidoyer, *Pour l'effectivité du droit à un environnement sain en Afrique*, Revue de droit africain, vol. 5 /19, 2001, p. 277.

6. Art. 17. *de la Déclaration universelle des droits collectifs des peuples adoptée*, à Barcelone, le 27 mai 1990.

می‌کنند و این حق را واجد همه ویژگی‌های حقوق نسل سوم می‌دانند که متعلق یا صاحب آن، جامعه و مردم است.^۱ در حقیقت، در این برداشت، حقوق نسل سوم، حقوقی هستند که به منافع جمعی اشخاص از آن نظر ارتباط می‌یابد که در جامعه زندگی می‌کنند. این حق در این برداشت جنبه فردی ندارد و به منافع غیر منفرد و غیر شخصی پیوند می‌خورد. در این نظریه، ویژگی «جمعی بودن منافع»، این حق را به حقوق جمعی تعریف مرتبط می‌سازد.

بند دوم. زمینه اجتماعی تحقق حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست سالم در جامعه انسانی مفهوم و معنا می‌یابد. در واقع، تبلور این حق مبتنی بر مفهوم «منفعت عمومی» یا «منفعت همگانی» است که در آن، افراد جامعه به صورت دسته جمعی از محیط زیست سالم بهره‌مند می‌گردند. در این برداشت، جمعی بودن حق بر محیط زیست در مقابل حقوق نسل اول قرار می‌گیرد که بر منافع فرد یا «حقوق فردی» تأکید می‌کند. در واقع، تحقق هر «حقی» در حقوق جمعی، یک «زمینه اجتماعی»^۲ می‌خواهد و تئوری‌های آن حق هم عصری، زمانی و مکانی است.^۳

علاوه بر این، در شکل‌گیری این تحلیل به وضعیت زیست‌محیطی برخی از جوامع دنیای کنونی نیز توجه می‌شود. در دفاع از جمعی بودن حق بر محیط زیست و نیاز به معرفی آن به عنوان حقوق جمعی، پرفسور میشل پریور، استاد مشهور فرانسوی حقوق محیط زیست به وضعیت آفریقا اشاره می‌کند. چرا در آفریقا، حق بر محیط زیست هم در منشور آفریقایی حقوق بشر و هم در رویه قضایی به عنوان «حق جمعی» معرفی شده است؟ وی بیان می‌دارد که «دشواری شناسایی

1. Vasak, Karel, «Pour la troisième génération des droits de l'homme: Les droits de solidarité», Conférence inaugurale de la dixième Session d'étude de l'Institut international des droits de l'homme, Strasbourg, 1979, et «Les différentes catégories des droits de l'homme», in A. LAPEYRE, F. DETINGUY, K. VASAK, (eds.), Les dimensions universelles des droits de l'homme, Brussels, Bruylant, 1990, pp. 302-303.

برای مطالعه بیش‌تر نک: قاری سید فاطمی، سید محمد و علی مشهدی، «ماهیت حق بر محیط زیست»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه شماره ۶، ۱۳۹۰، صص ۲۲۱ - ۲۵۲.

2. Contexte social

3. Richard and Val Routley, **Human Chauvinism and environmental ethics**, in mannison et al, Environmental philosophy, Australian National University, 1980, p. 166.

حق بر محیط زیست سالم به عنوان حق جمعی (و نه حقوق افراد) در آفریقا احتمالاً در راستای بهره‌مندی و حمایت از قربانیان فجایع اکولوژیکی و آوارگان ناشی از این فجایع بوده است.^۱ در حقیقت، این تحلیل‌ها مبتنی بر وضعیت محیط زیست برخی از جوامع در حال توسعه و کم‌تر توسعه یافته مطرح شده است.^۲

گفتار چهارم. اقتضائات جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی

باید توجه داشت که در مقام بیان اقتضائات رویکرد جمعی شدن مسئولیت در قبال خسارات زیست محیطی، به طور غالب و معمول، موضوع از منظر حقوق بشری بررسی شده است؛ زیرا به حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر یا حقوق هم‌بستگی^۳ در جامعه جهانی توجه صورت گرفته است.^۴ حقوق نسل سوم یا حقوق هم‌بستگی، حقوقی هستند که برای تحقق، نه تنها به اقدامات ایجابی و سلبی هر دولت نیاز دارند، بلکه رفتار همه افراد و جوامع نیز در تحقق آن‌ها مؤثر است. در صورت وقوع خسارات زیست محیطی پر واضح است که تمامی افراد و جوامع باید برای جبران و تخفیف آن‌ها گام بردارند که این امر را می‌توان یکی از مبانی تسهیل‌کننده پذیرش رویکرد جمعی شدن مسئولیت دانست.^۵

1. A. Kiss, *Concept and possible implications of the right to environment*, in: K. E. Mahoney & P. Mahoney (eds.), *Human rights in the twenty-first century: a global challenge*, London, Martinus Nijhoff Publishers, 1993, p. 166.

2. UNHRC, *Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, Annex: 'Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework', A/HRC/17/31 (21 March 2011), pp. 12-17.

3. Solidarity Rights

۴. زمانی، سید قاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

۵. موسوی، سید فضل‌الله، «جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین‌الملل»، فصل‌نامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره چهل و یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۱۳.

بند اول. نگاه حقوق بشری به خسارات زیست‌محیطی

با جهانی شدن فرآیندهای اقتصادی و فرهنگی، بحران‌های ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی در سطحی فراگیرتر منعکس شده است. به واقع، موقعیتی که امروز در آن به سر می‌بریم، موقعیتی است که مسائل کلانی از قبیل امنیت و حقوق بشر را با خطر جدی از هم گسیختگی روبه‌رو می‌سازد. خطری که در نهایت می‌تواند به نابودی خود بشر بیانجامد؛ چون در شرایطی که امنیت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول تشکیل جامعه انسانی تهدید شود، به موازات آن، بقا و سلامت جامعه بشری نیز در معرض زوال قرار خواهد گرفت. نکته‌ای که در خصوص بحران‌های زیست‌محیطی بسیار می‌تواند صادق و بدیهی باشد، این است که سرمنشأ بسیاری از این وقایع، اعمال انسانی است.^۱ شاید این موضع در ابتدا بسیار افراطی به نظر آید و البته این گونه هم است، اما وجهی از واقعیت تلخ توسعه را به ما می‌نمایاند.

بند دوم. شاخص‌های اصلی رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی

مطابق با رویه‌ای که امروزه در حقوق بین‌الملل^۲ و رویه قضایی بین‌المللی^۳ و نیز رویه قضایی داخلی برخی کشورها^۴ در پیش گرفته شده است و به اجرا در می‌آید، می‌توان دو شاخص یا مؤلفه اصلی را در رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی تعیین کرد؛ یکی، «همه گیر بودن» و دیگری، «عدم انحصار».

۱. نک: برمن، مارشال، تجربه مدرنیته، ترجمه: مراد فرهادپور، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۰.

2. See: **Babbitt**, Charles J., Discretion and the Criminalization of Environmental Law, *Journal of Duke Environmental Law and Policy Forum*, 15(1), September 2004, p. 64.

3. See:

Clifford, Mary, **Environmental Crime: Enforcement, Policy and Social Responsibility**, AN Aspen Publication, 2016, p. 239.

Berat, Lyan, **Defending the Right to a Healthy Environment: Toward a Crime of Geocide in International Law**, *Environmental Law Studies*, No. 22, 1999, p. 131.

Gray, Mark Alan, **The International Crime of Ecocide**, *Environmental Law Studies*, No. 23, 2000, p. 102.

Charlier, Roger H., Of Geocide, Ecocide and Related Matters: A Viewpoint, *International Journal of Environmental Studies*, Volume 48, Issue 3, 1995, pp. 181-186.

۴. از جمله ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان و کانادا. برای مطالعه بیش‌تر نک:

Lehmen, Alessandra & Juchem Advocacia, **ICC to focus on environmental crimes: a landmark move for International Environmental Law**, Sage, 2017, pp. 76-106.

جالب آن است که مبنای اصلی در شناسایی این دو وصف برای جرایم زیست محیطی، حقوق بشر است؛ یعنی حقوق بشر موجب شده است هر رفتاری که به نحوی محیط زیست، ثبات و استقرار و نیز موجبات بهره‌مندی بهره‌وران از محیط زیست را با چالش روبه‌رو سازد، از ایجاد آلودگی‌های عمدی یا سهوی در منابع آبی گرفته تا بمباران‌های هسته‌ای و شیمیایی، جرم‌انگاری و با مجازات روبه‌رو گردد.^۱ در این جا، حقوق بشر، پشتوانه حقوق کیفری برای اعمال حمایت کیفری از محیط زیست و بهره‌وران از آن به صورت جرم‌انگاری و کیفرگذاری برای رفتارهای خسارت‌بار و آسیب‌زای محیط زیستی است.^۲

گفتار پنجم. آثار جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی

در این بخش از پژوهش، به آثار جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی پرداخته خواهد شد تا وجود این رویکرد را به صورت بارز تصدیق کند.

بند اول. پیدایش بیمه مسئولیت و تضمین‌های مالی

بیمه، عنصر کلیدی در جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی و ابزاری جهت حفاظت از منابع اقتصادی است. بیمه مسئولیت باعث تکمیل نظام مسئولیت مدنی می‌شود. اهمیت و گستره آسیب‌های ناشی از آلودگی‌های محیط زیستی و ناتوانی در جبران آن باعث روی آوردن به بیمه‌های اجباری می‌شود تا از ریسک جلوگیری شود. با توجه به سنگین بودن مسئولیت آلوده‌کننده و ناتوانی وی در جبران خسارت و اصل تحدید مسئولیت، به الزامی بودن دریافت بیمه‌نامه باید بیش‌تر توجه کرد.^۳ این سخن درست است که نظام بین‌المللی مسئولیت مدنی اتمی به شکل فعلی وجود نداشت، اگر بر بنای استوار بیمه مسئولیت مدنی اتمی تکیه نمی‌کرد. در واقع، بیمه در توسعه صنعت اتمی، نقش تعیین‌کننده داشته است. متصدیان اتمی هرگز ریسک‌های عظیم فعالیت‌های اتمی

1. Rogers, Richard J., *International criminal law and environmental crimes: Possibilities and limitations*, University of London, 2017, p. 188.

2. Manirabona, Amissi Melchiade, *International Environment Criminal Law*, McGill University Press, 2016, p. 109.

۳. بادینی، حسن و محمود جعفری چالستری، «نگرشی تحلیلی و انتقادی به اسناد بین‌المللی نظام مسئولیت و جبران خسارت در آلودگی‌های نفتی ناشی از حمل و نقل دریایی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۱۳۹۷، ص ۹۸.

را نمی‌پذیرفتند، اگر پوشش بیمه‌ای هم برای خود تأسیسات آن‌ها و هم برای مسئولیت شخص ثالث وجود نداشت. هم‌چنین باید حتی‌الامکان مبلغ بیمه با میزان مسئولیت برابر باشد. (ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس و ماده VII کنوانسیون وین) از این مورد با عنوان «اصل برابری مسئولیت و پوشش بیمه»^۱ یاد می‌شود و اطمینان می‌دهد که میزان مسئولیت متصدی همیشه با مبلغ پولی معادل آن پوشش داده می‌شود.^۲

وجود بیمه و برابری آن با میزان مسئولیت هم به نفع زیان‌دیده است و هم به نفع متصدی؛ چون زیان‌دیده اطمینان دارد که خسارت وارد به او مشمول بیمه است و دعوای جبران خسارت او به نتیجه می‌رسد. متصدی هم آسوده‌خاطر است که وجوه لازم برای جبران خسارت تا حد مسئولیتش وجود دارد و نیاز به نقد کردن اموالش ندارد.^۳ مطابقت مبلغ بیمه با میزان مسئولیت، معایبی هم دارد؛ چون موجب می‌شود میزان مسئولیت در سطحی تعیین شود که بتوان آن را بیمه کرد. بنابراین، سقف مسئولیت متصدی بر اساس و با در نظر گرفتن ظرفیت بیمه تعیین می‌شود، نه بر اساس مقدار واقعی ریسک مورد نظر.^۴

به بیمه در آلودگی‌های نفتی نیز توجه شده است و طبق کنوانسیون‌های ۱۹۹۲ و پروتکل ۲۰۰۳،^۵ یک سیستم جبران خسارت سه درجه‌ای را تشکیل داده‌اند. تحت درجه اول (پروتکل ۱۹۹۲ مسئولیت مدنی)، مالک تانکر برای پرداخت خسارت، مسئول است و می‌تواند میزان مسئولیتش را به مقداری

1. Congruence of Liability and Coverage

۲. انصاری، مهدی، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم، ۱۳۸۲، ص ۵۱.

۳. سلحشور، نادعلی، «مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط زیست»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

۴. فهیمی، عزیزالله، «مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، اسناد بین‌المللی و فقه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷، ص ۸۴.

5. The International Convention on Civil Liability for Pollution Damage (1992); International Maritime Organization Protocol of 1992 to amend the International Convention on the Establishment of in International fund for Compensation for Oil Pollution Damage of 18 December 1971; Financial Regulations of the International OIL Pollution Compensation Supplementary fund Established under the 2003 Supplementary fund Protocol.

بر مبنای تناژ خاص کشتی محدود کند. وقتی خسارت ایجاد شده از میزان قابل پرداخت تحت سطح اول فراتر رود، دریافت کنندگان نفت که سالانه بیش از ۱۵۰۰۰ تن نفت دریافت می کنند، برای جبران خسارت ایجاد شده مشارکت خواهند کرد.^۱

در بیش تر موارد، پوشش مالی مسئولیت از طریق صنعت بیمه و به شکل بیمه مسئولیت شخص ثالث صورت می گیرد، اما از طریق ضمانت نامه بانکی، رهن اموال و خود بیمه ای^۲ هم ممکن است تضمین صورت گیرد. در بعضی کشورها چنین تضمینی را دولت ارائه می دهد.^۳

پیش نویس اصول ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل، متصدی را ملزم به جبران فوری و کافی خسارت کرده است و تعهد دولت منشأ به تضمین این جبران خسارت را از طریق الزام متصدی یا برحسب مورد، شخص یا موجودیت دیگر به بیمه یا تضمین مالی تعهد خود نیز به رسمیت شناخته است. دولت ها باید تمامی تدبیرهای لازم را انجام دهند تا تضمین کنند که زیان قربانیان خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت های ممنوع شده واقع در سرزمین یا مناطق تحت صلاحیت یا نظارتشان به صورت کافی و فوری جبران خواهد شد.^۴

به تضمین مالی و لزوم بیمه در ماده ۱۰ پروتکل الحاقی درباره مسئولیت و جبران خسارت ناشی از فعالیت های فرامرزی بر روی موجودات جاندار اصلاح شده ژنتیکی به پروتکل کارتاخنا درباره حفاظت از محیط زیست (۲۰۱۰)^۵ نیز تحت عنوان تضمین مالی اشاره شده است.

بنابراین، باید گفت که دولت به عنوان فراهم کننده شرایط جبران خسارات باید اقداماتی را جهت بیمه اجباری یا تضمین مالی متصدیان انجام دهد. برای مثال، همان طور که اشاره شد کنوانسیون ها در

1. IPIECA. International Petroleum Industry Environmental Conservation Association, 2007, in: www.ipieca.org/pub/liability

2. Self - Insurance

۳. امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و هم بستگی بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۷۴، ص ۳۲۹.

۴. اصل ۴ طرح اصول ۲۰۰۶ به این امر اشاره دارد.

5. Supplementary Protocol on [Liability and Redress for] Damage Resulting from Trans boundary Movements of Living Modified Organisms to the Cartagena Protocol on Biosafety.

زمینه هسته‌ای، تکالیفی برای دولت‌ها مقرر کرده‌اند که هدف آن، فراهم آوردن شرایط برای جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز است.^۱ در این مقام، دولت‌ها به طور مستقیم، تعهد و تکلیفی در جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای ندارند، اما ملزمند با اقداماتی، زمینه را برای جبران چنین خساراتی فراهم آورند. دولت‌های متعاهد کنوانسیون‌های حاکم بر جبران خسارات هسته‌ای متعهد شده‌اند که با اقدامات مقتضی، جبران ضرر و زیان وارده به زیان‌دیدگان را تأمین و تضمین کنند.^۲ بر اساس معاهدات حاکم بر جبران خسارات هسته‌ای، متصدی، مسئولیت اصلی و اولیه جبران خسارات هسته‌ای را بر عهده دارد و دولت‌ها باید متصدی فعالیت هسته‌ای را ملزم به ارائه تأمین مالی یا بیمه مسئولیت خود کنند و تا زمانی که از بیمه یا تأمین مالی آن اطمینان حاصل نکرده‌اند، مجوز لازم را اعطا نکنند. دولت‌های متعاهد باید زمینه اجرای احکام دادگاه خارجی صالح برای جبران خسارات هسته‌ای را فراهم آورند.^۳ هم‌چنین تدبیرهای مقتضی در پیش بگیرند تا زمینه پرداخت جبران خسارت و هزینه‌های دادرسی به پول کشوری فراهم شود که خسارت در آن به وجود آمده است.^۴

بند دوم. ایجاد صندوق‌های خاص جبران خسارت

یکی دیگر از تدبیرهایی که دولت‌ها می‌توانند با تمسک به آن، جبران خسارت زیان‌دیده در خسارت‌های فرامرزی به ویژه خسارت‌های ناشی از محیط زیست را تضمین کنند، ایجاد صندوق‌های خاص جبران خسارت زیان‌دیدگان است.^۵ تأسیس صندوق‌های تأمین جبران خسارت باید برای آن هزینه‌هایی باشد که مباشر ورود خسارت را نمی‌توان شناسایی و تعیین کرد یا به هیچ‌آلوده‌کننده خاصی منتسب نمی‌شود. هم‌چنین برای جبران خسارات وارد شده بر منابع طبیعی مانند آب‌های سطحی، هوا، زمین، انواع حیوانات وحشی و گیاهان می‌توان از وجوه جمع‌آوری شده در این صندوق استفاده کرد. این صندوق‌ها می‌توانند بر اساس چندین منبع اصلی مانند یک صندوق تأمین

1. Gaetano, Arangio – Ruiz, A/CN.4/469 and Add.1–2 Seventh report on State responsibility, 1995, p. 625.

2. Vienna Convention, Art. VII (1), Paris Convention, Art 10 (a).

3. Vienna Convention, Art. XII, Paris Convention Art 13 (d).

4. Vienna Convention, Art. XV.

5. European commission, **Proposed Eu Directive on Environmental Liability**, at –[http, eur-lex Europa](http://eur-lex.europa), 2002, p. 202.

خسارت ناشی از آلودگی هوا یا صندوق های تأمین خسارت ناشی از آلودگی صدا یا انواع مختلف خسارت مثل خسارت به یک جنگل تأسیس شوند.^۱

خسارات زیست محیطی از جمله خسارت هایی است که به تدریج و با گذشت زمان ایجاد می شود و گاهی شناخت و تشخیص عامل یا عاملان زیان به شدت دشوار است یا آنان ناشناخته می مانند یا حوادث قهری، مبانی و ارکان و شرایط مسئولیت را به هم می زند. پیش بینی صندوق تأمین خسارات از محل اختصاص درصدی از بیمه های اجباری مسئولیت و عوارض دریافتی و نیز کمک اجباری دولت برای پوشش این گونه خسارات زیست محیطی با توجه به اهمیت محیط زیست، الزامی به نظر می رسد.^۲

یکی از این صندوق های تأمین جبران خسارت، صندوق «سوپر فوند»^۳ است که بر اساس «قانون جامع مربوط به واکنش، جبران خسارت و مسئولیت ناشی از لطمه و اختلال به محیط زیست»^۴ در سال ۱۹۸۰ در آمریکا تأسیس شد تا مکان های ریختن زباله های خطرناک و مضر رها شده را پاک سازی کند. بودجه این صندوق به وسیله دولت فدرال آمریکا با کمک هایی تأمین می گردد که به شکل مالیات از صنایع نفتی و شیمیایی می گیرد. این صندوق را آژانس حفاظت از محیط زیست اداره می کند.^۵

کنفرانس دیپلماتیک تصویب کنوانسیون ۱۹۶۳ در قطع نامه پایانی خود، مسئله جبران تکمیلی خسارات هسته ای را مطرح کرد. در این قطع نامه، کنفرانس از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواست که کمیته ای دائمی (standing committee) برای مطالعه دقیق موضوع امکان تشکیل صندوقی بین المللی برای جبران خسارات هسته ای ایجاد کند. شورای حکام آژانس چنین کمیته ای را در

1. www.eeb.org/publication/liabilityuk.htm. p. 5.

۲. همتی، مجتبی، «اقامه دعوای جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸.

3. Super Fund

4. CERCLA

5. David Kemp, *the environment Dictionary*, London and New York, 2009, p. 338.

یکی از این صندوق های تأمین خسارت در ایران، «صندوق تأمین خسارت های بدنی» است که بر اساس ماده ۱۰ «قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی»، مصوب ۱۳۴۷ برای جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه تأسیس یافته است و شرکت سهامی بیمه ایران آن را اداره می کند.

۱۸ سپتامبر ۱۹۶۳ تشکیل داد. با این‌که این کمیته، شش جلسه را تا سال ۱۹۸۷ برگزار کرد، اما هرگز نتوانست در مورد تدوین سندی در خصوص جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای به نتیجه برسد.^۱

گفتار ششم. رویکرد نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی

در این مبحث، رویکرد نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی بررسی می‌شود.

بند اول. رویکرد نظام حقوقی ایران

رویکرد جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران، جایگاه چندان روشنی ندارد. در واقع، هنوز به درستی مشخص نیست که آیا نظام حقوقی ایران، جمعی شدن مسئولیت مدنی درباره خسارات زیست‌محیطی را پذیرفته است یا خیر؟ این ابهام به ویژه از آن‌جا ناشی می‌شود که به طور خاص می‌توان به دو اثر و جلوه مهمی اشاره کرد که پذیرش رویکرد جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در حقوق محیط زیست مدرن در پی داشته است. نخست، پیدایش بیمه مسئولیت و تضمین‌های مالی و دیگری، صندوق‌های تأمین خسارات خاص که هیچ‌یک، جایگاهی در حقوق محیط زیست ایران در قبال خسارات زیست‌محیطی ندارند.^۲ البته در سال ۱۳۹۸، بحثی میان برخی از نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی که در فراکسیون محیط زیست این مجلس، عضویت داشتند، مبنی بر تشکیل صندوق تأمین خسارات محیط زیستی مطرح شد که در واقع، سازوکاری شبیه بیمه را برای تأمین این خسارات در نظر گرفته بود، ولی تا کنون (مهر ۱۴۰۰)، هیچ اقدام عملی در این باره مشاهده نشده است.

با وجود این، یک تحول بسیار مهم و قابل توجه در حقوق محیط زیست ایران به ویژه در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در ایران، تشکیل صندوق موسوم به «صندوق ملی محیط زیست»

1. Document CN-12/48, Annex I, Also Reproduced in Document Gov / 931 of 7 August 1963, Annex I.

۲. بهرامی احمدی، حمید، «سیاست‌گذاری‌های سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست»، مجله دانش سیاسی، شماره ۹، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹.

به عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه سازمان حفاظت محیط زیست است. اساس نامه این صندوق در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید و در ۱۳۹۳/۹/۲۷ توسط معاون اول وقت رییس جمهور برای اجرا به سازمان مربوط ابلاغ گردید. این صندوق اصولاً بر اساس آن چه در سیاست های کلی محیط زیست ابلاغی مقام رهبری در ۱۳۹۴/۸/۲۶ متجلی شده، نمونه ای از جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی در ایران است. یکی از وظایف اصلی اش نیز طبق ماده ۵ اساس نامه آن، اعطای تسهیلات مالی به کارخانه ها و کارگاه ها و واحدهای تولیدی برای کاهش آلاینده های محیط زیست و نیز کمک مالی به مخترعانی است که به طراحی و تولید انبوه تجهیزات کاهش آلاینده های محیط زیستی دست می زنند. وظایف، اهداف و رسالت های مندرج در اساس نامه این صندوق، آن را به نمونه بارز نگاه بیمه ای به مقوله حفاظت از محیط زیست و تمهید منابع و سرمایه های مالی و مادی برای کاهش آلاینده های محیط زیستی بدل کرده است. علاوه بر تشکیل این صندوق، در برخی از قوانین مصوب در کشور نیز رویکردهای دایرمدار جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی و ارائه کمک های مالی و مادی برای کاهش هر چه بیش تر آلاینده های زیست محیطی مشاهده می شود.

بند دوم. رویکرد اتحادیه اروپا

مقصود از اتحادیه اروپا، رویکرد تک تک کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست، بلکه منظور، رویه های واحد و مشترکی است که به موجب دستورالعمل ها یا اقدامات رویه های و اجرایی شناسایی شده توسط همه دولت های اروپایی در زمینه مواجهه با خسارات زیست محیطی و تحمیل مسئولیت مدنی بر مرتکبان رفتارهای خسارت بار زیست محیطی در پیش گرفته شده است. بر این اساس، در بیش تر مواردی که در پژوهش حاضر به رویکرد اسناد و کنوانسیون های بین المللی اشاره می شود، می توان رویکرد اتحادیه اروپا را نیز همسان و همانند محسوب کرد.

رویکرد جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی به عملکرد اتحادیه اروپا نیز راه یافته است. به طور مشخص، پیش نویس اصول ۲۰۰۶ حفاظت و صیانت از محیط زیست که در جلسه شورای عالی وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این سال در وین اتریش به تصویب رسید، این قاعده را شناسایی کرد. این پیش نویس با اشاره به جبران فوری و کافی خسارت توسط متصدی و این که این جبران خسارت باید توسط دولت منشأ تضمین شود، به طرق بیمه و

تضمین مالی و به تأسیس صندوق‌های صنعتی در سطح ملی برای جبران خسارات فراتر از مسئولیت متصدی و ایجاد صندوق‌های جبران از سوی دولت‌های منشأ فعالیت در مواردی تمرکز دارد که تضمین‌های مالی و صندوق‌های صنعتی برای جبران خسارت کافی نباشد. همه این اقدامات می‌تواند زمینه و شرایط را برای جبران فوری و کافی خسارات فراهم آورد.^۱

موارد یادشده، بخشی از این تدبیرها محسوب می‌شود و دولت‌ها باید برحسب اهمیت خاص فعالیت‌های ممنوع‌ناشده، اقدامات دیگری نیز برای جبران کافی و فوری زیان‌ها به عمل آورند. ایجاد صندوق‌های بین‌المللی جبران خسارات از طریق همکاری و انعقاد معاهدات و موافقت‌نامه‌ها یکی دیگر از تدبیرهای دولت‌ها برای تضمین پرداخت غرامت فوری و کافی به زیان‌دیدگان محسوب می‌شود.^۲ برخی از اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه‌های استکهلم و ریو بر لزوم چنین همکاری تأکید کرده‌اند.

در دو سند مهم مصوب در سطح اتحادیه اروپا نیز رویکرد جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در سطح اتحادیه اروپا و در گفتمان کشورهای عضو این اتحادیه راه یافته است. اول، سند جامع همکاری اعضای اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۱۱ است که در پی برگزاری اجلاس وزرای محیط زیست کشورهای عضو این اتحادیه به تصویب رسید. در ماده ۳ و نیز در ماده ۵-۱۱ این سند، بر اساس الگوی جمعی شدن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی به لزوم تعیین و پیش‌بینی ضمانت اجراهای مالی به ویژه جزای نقدی و جریمه‌های مالیاتی تحت عنوان عوارض و مالیات‌های سبز^۳ و تجمیع آن‌ها در اختیار دولت‌ها و هزینه‌کرد آن‌ها برای حفاظت و صیانت هر چه بیش‌تر و بهتر از محیط زیست تصریح شده است.

دومین سند، سند الزام دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به تعیین و شناسایی کیفرهای مالی و جریمه‌ها و عوارض زیست‌محیطی (یا مالیات‌های سبز) در قوانین ملی و الزام دستگاه‌های قضایی به صدور

۱. امینی، لیلا، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی محیط زیست»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۱.

2. Julio Barboza, *International Liability for the Injurious Consequences of Acts Not Prohibited by International Law and Protection of the Environment*, Vol. III, RCADI., 1994, p. 306.

3. Alan. E. Boyle, *State Responsibility and International Liability for Injurious Consequences of Acts not Prohibited by International Law: a Necessary Distinction*, International and Comparative Law Quarterly, Vol. 39, 1990, p. 13.

حکم برای تجمیع این عوارض و مالیات‌ها در اختیار دولت و نیز الزام دولت‌ها به هزینه‌کرد این جریمه و جزای نقدی در راستای حفاظت از محیط زیست در جلوه‌های مختلف آن از جمله هوا، دریا، آب، زمین و منابع زیرزمینی است. این سند در روز پایانی اجلاس وزرای امور خارجه و محیط زیست کشورهای عضو اتحادیه در ماه مه ۲۰۱۴ در پاریس به تصویب اعضای اتحادیه رسید.

نتیجه‌گیری

بدون شک، حفاظت از محیط زیست، ضرورت و منفعت جهانی است و مسیری را ترسیم می‌کند که از همکاری در حفاظت از محیط زیست، زمینه‌های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را تا حدودی فراهم کند. بنابراین، دولت‌ها باید به نحوی سیاست‌گذاری کنند که با حفاظت از محیط زیست، منافع نسل‌های آینده نیز حفظ گردد. این ایده مبتنی بر نظریه انصاف بین نسلی و حفاظت از تنوع منابع سیاره زمین را توصیه می‌کند. بهترین شیوه حفاظت از محیط زیست در سطح جامعه بین‌المللی، بهره‌گیری از موازین حقوق بین‌الملل و بسترسازی فرهنگی است. موفقیت هر نوع تغییر در جامعه و شیوه‌های رفتاری از نامطلوب به مطلوب، نیازمند بسترسازی فرهنگی است. محیط زیست هم از این قاعده مستثنی نیست و به ویژه ضرورت دارد برای نجات حیات بشری به طور اعم و محیط زیست به طور اخص، فرهنگ توجه به ارزش‌های والای محیط زیست سالم یا نسل سوم حقوق بشر (حقوق هم‌بستگی) را تقویت کنیم. در کالبدشکافی مفهومی توسعه شهری مشارکتی، امر مشارکت را می‌توان در سه حوزه مشاهده کرد: مشارکت در شکل‌گیری قدرت محلی (از مردم)، مشارکت در تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری توسعه (با مردم) و مشارکت در اجرای برنامه‌ها و خط‌مشی‌های توسعه (برای مردم) که می‌توان آن را چرخه توسعه مشارکتی نام نهاد. با یک رویکرد همه‌جانبه می‌توان اذعان داشت که ریشه توسعه‌نایافتگی یا توسعه نامتوازن شهری و محلی، ساختاری است و در راستای توسعه باید علت اساسی را در مشارکت نداشتن شهروندان در اداره امور شهر جست. حق تعیین سرنوشت، عنصر بنیادین شهروندی است که از طریق مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس، سازوکارهای مشارکت مطلوب شهروندی باید بر مبنای شناسایی مسئولیت جمعی برای حفاظت و صیانت از محیط زیست ارائه گردد.^۱

گفتنی است حق بر محیط زیست به اقتضای ماهیت جمعی حقوق هم‌بستگی، واجد جمعی بودن تلقی

۱. هاشمی، سید محمد و دیگران، «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۰.

می‌شود، اما این امر همانند دیگر حقوق هم‌بستگی، مانع از بهره‌مندی و صاحب حق بودن آحاد جامعه به صورت فردی و گروهی نخواهد بود. البته در مورد این که آیا تک‌تک افراد به صورت مجزا و مستقل می‌توانند از حقوق هم‌بستگی به همان سبک و سیاق دیگر حقوق بشر بهره‌مند شوند و امکان مطالبه یابند، برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. یک برداشت این است که به جای یکایک افراد، شناسایی نهاد نمایندگی جامعه و اعطای مسئولیت مطالبه به دولت، کافی خواهد بود. به این تعبیر، حتی حق‌های موسوم به حق‌های جمعی قابل فروکاستن به حق‌های فردی‌اند. با این توضیح که در واقع، افراد، حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر محیط زیست سالم دارند، اما چون تحقق این حق‌ها به گونه‌ای است که حکومت‌ها و گروه‌ها و نه افراد، درگیر مطالبه آن می‌شوند، جلوه‌ای جمعی پیدا کرده‌اند.

در قوانین داخلی حتی در سطح قانون اساسی به مثابه مهم‌ترین متن قانونی در هر نظام حقوقی، گرایش‌هایی به جمعی بودن مسئولیت‌ها در حفظ و صیانت از محیط زیست دیده می‌شود. تصریح ضرورت حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی، دلایل مختلفی دارد، از قبیل جدی بودن حفاظت از محیط زیست و گسترده بودن و پیچیدگی مشکلات محیط زیستی که حل این مشکلات، اقدام جمعی و هماهنگ سیاسی را برای حفاظت از همه افراد جامعه ایجاب می‌کند.^۱ هنگامی که حفاظت از محیط زیست به عنوان یک هنجار در متن قانون اساسی تعیین می‌شود، بر لزوم توجه اجتماعی به این ضرورت تأکید می‌گردد. بنابراین، بر لزوم حمایت جمعی از محیط زیست و نیز شناسایی مسئولیت جمعی دایرمدار صیانت و حفاظت از محیط زیست تأکید می‌شود.

مبنای نظری اصلی و اساسی برای چنین اعتقادی این است که اگر ارزش‌های محیط زیست به یک ارزش جمعی تبدیل شود، حفاظت از محیط زیست به نفع همه این گروه‌های مختلف است و در صورت حفظ آن، همه آن‌ها به صورت برابر نفع خواهند برد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام حفاظت از محیط زیست در کنار فرهنگ‌سازی برای تبدیل محیط زیست به عنوان یک ارزش جمعی باید ایجاد تعادل میان منافع مشترک افراد در ارتباط با محیط زیست باشد^۲ و این امر مستلزم توسعه نظام عدالت اجتماعی است.

1. Hayward, Tim, *Constitutional Environmental Rights*, Oxford University Press, USA, 2005, p. 5.

2. Ibid.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. برمن، مارشال، تجربه مدرنیته، ترجمه: مراد فرهادپور، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲. ساعد، نادر، قوانین و مقررات محیط زیست ایران، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط زیست (جلد ۱)، ترجمه: محمدحسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

ب) مقاله

۱. امیرارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و هم‌بستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۷۴.
۲. بادینی، حسن و محمود جعفری چالشتی، «نگرشی تحلیلی و انتقادی به اسناد بین‌المللی نظام مسئولیت و جبران خسارت در آلودگی‌های نفتی ناشی از حمل و نقل دریایی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۱۳۹۷.
۳. بهرامی احمدی، حمید و اعظم علم‌خانی، «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست محیطی»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۲.
۴. بهرامی احمدی، حمید، «سیاست‌گذاری‌های سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست»، مجله دانش سیاسی، شماره ۹، ۱۳۸۸.
۵. حیاتی، عباس‌علی، «مفهوم و چگونگی جبران خسارت‌های گروهی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، دانش‌نامه حقوقی، شماره ۴، ۱۳۹۸.
۶. رحمانیان، سمیه و محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، «بررسی انتساب مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی فرعی به شرکت اصلی در دعاوی خصوصی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۶، ۱۳۹۵.

۷. رحیمی، علی و حسین شبیری، «مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از خسارت زیست محیطی»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره چهارم، شماره ۱/۱، ۱۳۹۷.
۸. زمانی، سید قاسم، «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۱.
۹. شاه حسینی، عطیه و علی مشهدی، «جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۵.
۱۰. قاری سید فاطمی، سید محمد و علی مشهدی، «ماهیت حق بر محیط زیست»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه شماره ۶، ۱۳۹۰.
۱۱. قاسمی، ناصر و فلورا حیدری، «پذیرش مسئولیت مدنی در اخلاق زیست محیطی: در راستای حفظ محیط زیست»، پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۹۴.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی»، فصل نامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره سی و هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
۱۳. موسوی، سید فضل‌الله، «جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین‌الملل»، فصل نامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره چهل و یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۱۳.
۱۴. هاشمی، سید محمد و دیگران، «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۵. همتی، مجتبی، «اقامه دعوای جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۱، ۱۳۹۷.

ج) پایان‌نامه

۱. امینی، لیلیا، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی محیط زیست»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۸۹.
۲. انصاری، مهدی، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم، ۱۳۸۲.

۳. سلحشور، نادعلی، «مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط زیست»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۴. فهیمی، عزیزالله، «مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، اسناد بین‌المللی و فقه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.

2. Latin Source

1. A. Kiss, **Concept and possible implications of the right to environment**, in: K. E. Mahoney & P. Mahoney (eds.), *Human rights in the twenty-first century: a global challenge*, London, Martinus Nijhoff Publishers, 1993.
2. Alan. E. Boyle, **State Responsibility and International Liability for Injurious Consequences of Acts not Prohibited by International Law: a Necessary Distinction**, *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 39, 1990.
3. Babbitt, Charles J., **Discretion and the Criminalization of Environmental Law**, *Journal of Duke Environmental Law and Policy Forum*, 15(1), September 2004.
4. Berat, Lyan, **Defending the Right to a Healthy Environment: Toward a Crime of Geocide in International Law**, *Environmental Law Studies*, No. 22, 1999.
5. Charlier, Roger H., **Of Geocide, Ecocide and Related Matters: A Viewpoint**, *International Journal of Environmental Studies*, Volume 48, Issue 3, 1995.
6. Clifford, Mary, **Environmental Crime: Enforcement, Policy and Social Responsibility**, AN Aspen Publication, 2016.
7. David Kemp, **the environment Dictionary**, London and New York, 2009.
8. Gray, Mark Alan, **The International Crime of Ecocide**, *Environmental Law Studies*, No. 23, 2000.
9. Hayward, Tim, **Constitutional Environmental Rights**, Oxford University Press, USA, 2005.
10. Hormio, Sade, **Collective responsibility for climate change**, *Wiley Climate Change*, vol 12, 2022.
11. Julio Barboza, **International Liability for the Injurious Consequences of Acts Not Prohibited by International law and Protection of the Environment**, Vol. III, RCADI., 1994.
12. Lehmen, Alessandra & Juchem Advocacia, **ICC to focus on environmental crimes: a land-**

mark move for International Environmental Law, Sage, 2017.

13. Manirabona, Amissi Melchiade, **International Environment Criminal Law**, McGill University Press, 2016.

14. Prieur, Michel, **La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones**, Presses Universitaires de Limoges, 2003.

15. Richard and Val Routley, **Human Chauvinism and environmental ethics**, in mannison et al, **Environmental philosophy**, Australian National University, 1980.

16. Rogers, Richard J., **International criminal law and environmental crimes: Possibilities and limitations**, University of London, 2017.

17. Schwabach, Aaron, **International Environmental Disputes (Contemporary World issues)**, ABC-CLIO (Publishing), 2006.

18. UNHRC, **Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises**, Annex: 'Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework', A/HRC/17/31 (21 March 2011).

19. Vanderheiden, Steve, **Climate Change and Collective Responsibility**, Library of Ethics and Applied Philosophy book series, vol 17, 2011.

20. Vasak, Karel, «**Pour la troisième génération des droits de l'homme: Les droits de solidarité**», Conférence inaugurale de la dixième Session d'étude de l'Institut international des droits de l'homme, Strasbourg, 1979, et «Les différentes catégories des droits de l'homme», in A. LAPEYRE, F. DETINGUY, K. VASAK, (eds.), **Les dimensions universelles des droits de l'homme**, Brussels, Bruylant, 1990.

21. Y. Hamuli Kabumba, Plaidoyer, **Pour l'effectivité du droit à un environnement sain en Afrique**, Revue de droit africain, vol. 5 /19, 2001.

Effects of collective civil liability due to environmental damages; A case study of Iranian and European Union law

Hossein aliZadeh¹

Nejatollah Ebrahimian²

Sharareh Mofidian³

Abstract

The collective responsibility approach is theoretically based on the fact that some risks have a social aspect and their effects and consequences are not limited to a person or a few groups of people. Rather, it targets and affects the entire human society. Therefore, it is logical that all those who are affected in some way by environmental damage can participate in the process of compensating for the damages incurred. It can be said that the collective responsibility approach also seeks to determine how to distribute responsibility among the causes of the damage. In further explanation and explanation, it can be said that collective responsibility refers to the population that has been harmed by committing environmentally harmful behaviors. However, collective responsibility refers to a group that can or has been able to harm the environment, potentially or actually. Therefore, if we also take the concepts and principles of environmental criminal law as a basis, collective responsibility has a victimological approach, but collective responsibility has a criminalistic approach. The purpose of collective responsibility is to involve all those who have been harmed by environmental damage or criminal behavior in the process of compensating for environmental damage. However, the purpose of collective responsibility is to involve all those who have committed environmental damage or criminal behavior in the process of distributing responsibility and requiring compensation. This approach has now been incorporated into the laws of various countries, including Iran. European Union law also has a brilliant history regarding this concept.

Keywords: civil responsibility, environment, European Union, comparative study

¹ . Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, hosseinv591@gmail.com

² . Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding author) 1344ne@gmail.com

³ . Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, mofidiyan1212@gmail.com